

مؤثر واقع می‌شود؟ آیا تنبیه

بنا به تعریف، «تنبیه» هر عملی است که رفتاری را تضعیف کند و احتمال وقوع و تکرار آن را کاهش دهد. معمولاً رفتار ناشایست یا عمل خطای فرد خاطی، با تنبیه پاسخ داده می‌شود اما تنبیه می‌تواند به شکل امتناع از اعطای پاداشی که پیش از ارتکاب خطا در اختیار فرد قرار می‌گرفت نیز باشد؛ پس تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ، چیز مثبتی را از موقعیت حذف کند یا چیز منفی به آن بیفزاید. هنگامی که از تنبیه سخن به میان می‌آید، دو مفهوم کلی مدنظر است: (۱) نوعی آموزش که هدف آن درست کردن یا بهبود رفتار باشد. (۲) سرزنش فرد برای جلوگیری از کاری در جهت بهتر ساختن آن.

اولش بازمی‌گردد؛ بنابراین اگرچه تنبیه اغلب مؤثر به نظر می‌رسد اما تنها اثری ناپایدار برجای می‌گذارد و از آن بدتر، تنبیه «عوارض جانبی» نگران‌کننده و ناخواسته‌ای به بار می‌آورد؛ از جمله:

(۱) تنبیه، آثار جانبی هیجانی نامطلوبی به بار می‌آورد؛ یعنی ارگانیسمی که تنبیه می‌شود و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند، تعمیم می‌یابد.

(۲) تنبیه، به ارگانیسم نشان می‌دهد که چه کار نکند، نه این که چه کار بکند؛ یعنی «تنبیه» هیچ‌گونه اطلاعی در اختیار ارگانیسم قرار نمی‌دهد.

(۳) تنبیه، صدمه‌زدن را توجیه می‌کند.

(۴) کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن، رفتار قبلاً تنبیه‌شده‌ی خود را انجام دهد بدون این که تنبیه شود، ممکن است وادار به انجام دادن آن رفتار شود؛ بنابراین در غیاب عوامل تنبیه‌کننده، ممکن است کودکان فحش بدهند، شیشه بشکنند، با بزرگ‌ترها بی‌ادبانه رفتار کنند، به بچه‌های کوچک‌تر آزار برسانند و... این کودکان آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه‌کننده، این رفتارها را واپس بزنند اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تنبیه‌کننده، این رفتارها را انجام ندهند.

(۵) تنبیه در شخص تنبیه‌شده نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران، پرخاشگری ایجاد می‌کند؛ این پرخاشگری، ممکن است موجب بروز مشکلات دیگری شود.

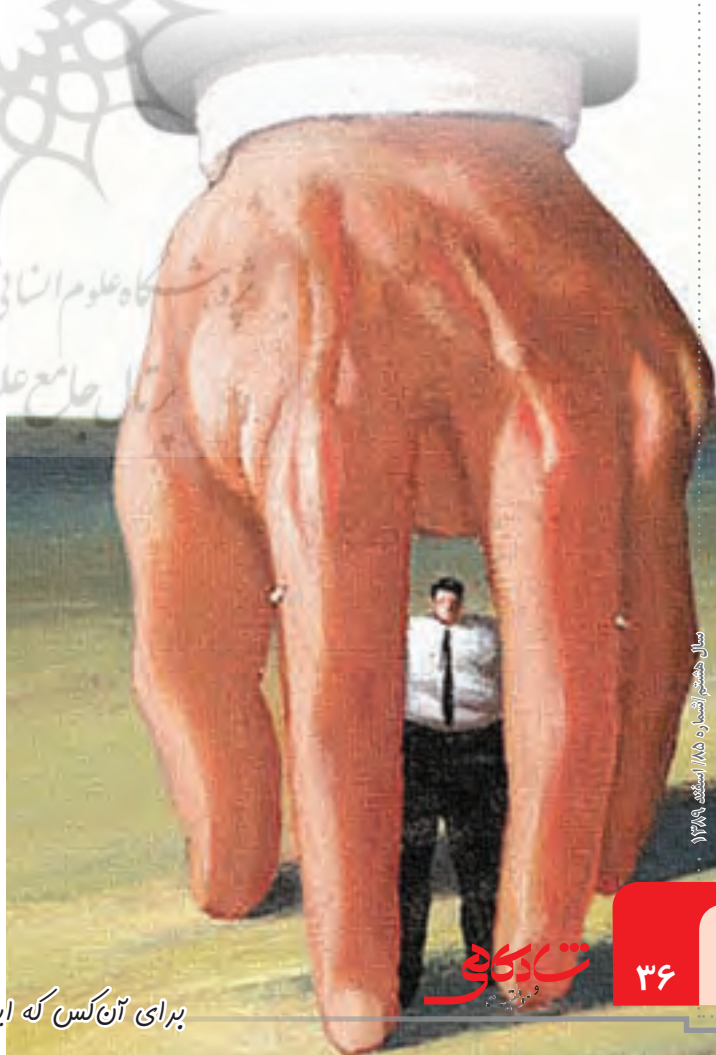
(۶) تنبیه، اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌کند؛ برای نمونه کودکی که به سبب ریخت‌وپاش وسایل تنبیه می‌شود، یک بچه‌ی «گریه‌کن» از آب درمی‌آید؛ درست همان‌گونه که شخصی که برای دزدی تنبیه می‌شود، ممکن است پرخاشگر شود و در فرصت مناسب، به جرایم سنگین‌تری دست‌بزنند.

تنبیه بدنی

والدین، اغلب فرزندان‌شان را به‌منظور واداشتن آنان به اطاعت فوری و متوقف کردن رفتار نامطلوب، کتک می‌زنند اما بررسی‌ها نشان داده که کتک‌زدن، تأثیرات بلندمدتی را به بار نمی‌آورد، بلکه کتک‌زدن، از نشان دادن پرخاشگری کودک، رفتار ضداجتماعی، سلامت روانی نامناسب، درونی کردن اصول اخلاقی نامناسب و اختلال در رابطه‌ی «والد - فرزند» خبر می‌دهد. کتک‌زدن، هم‌چنین خبر از آن می‌دهد که وقتی کودک به سن بزرگ‌سالی می‌رسد، پرخاشگری، سلامتی روانی نامناسب و علائم سوءاستفاده را نشان خواهد داد. با نگاهی به پیامدهای تنبیه‌بدنی، متوجه

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تنبیه، راهبرد انگیزشی بی‌تأثیری است؛ بنابراین با این که تنبیه، متداول است اما اصولاً تأثیری ندارد زیرا اگر هدف اصلی از تنبیه، کاهش احتمال رفتار نامطلوب در آینده باشد، هنگامی می‌توان آن را مؤثر دانست که در نتیجه‌ی آن، رفتار ناشایست فرد متوقف شود؛ پس اگر برای نمونه، تذکرات پیاپی سرپرست، تأثیری در رفتار کارمند نداشته باشد، نه تنها چنین مؤاخذه‌ای را نمی‌توان تنبیه به‌شمار آورد، بلکه برعکس، خواستن او و صحبت با او و خلاصه توجهی که از این راه به فرد می‌شود، خود می‌تواند عاملی برای تقویت و ادامه‌ی رفتار ناشایست‌اش گردد.

در روان‌شناسی، «تنبیه» ابزار مناسبی برای تغییر در رفتار و یادگیری به‌حساب نمی‌آید زیرا روان‌شناسان معتقدند که تنبیه، صرفاً رفتار را واپس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید به تنبیه وجود نداشته باشد، پاسخ به میزان



مقاله منتشر شده در شماره ۱۸۵ / فصل ۱ / زمستان ۱۳۹۳

نگاهی دیگر

می‌دونی خدا چرا به آدم ۲ تا چشم داده؟

■ برای این که به هر چیز و هر کس، به جور

و از یه زاویه و با یه دید نگاه نکنیم؛

■ فقط یه قسمت هر چیز و هر مسأله‌ای

رو نبینیم.

■ هر چیز رو از ۲ زاویه نگاه و بررسی

کنیم؛

■ همون طور که خوبی‌رو می‌بینیم، بدی

رو هم ببینیم و برعکس؛

■ برای این که هم نیمه‌ی پر لیوان و هم

نیمه‌ی خالی لیوان رو ببینیم و با نیاز

خودمون تطبیق بدیم و انتخاب کنیم.

یوسف محمودی



می‌شویم که تنبیه کردن کودکان، به‌عنوان یک راهبرد انگیزشی، امتیازی ندارد، بلکه ضرر آن بیش‌تر از منفعت آن است؛ بنابراین آن‌چه در رابطه با رفتار نامطلوب دیگران در سطح انگیزشی، مؤثر واقع می‌شود، روشی‌ست که رابطه‌ی مثبت با والد را پرورش دهد، سلامت روانی کودک را بیش‌تر کند و میل به درونی‌کردن ارزش‌ها با توصیه‌ها و ممنوعیت‌های والدین را افزایش دهد.

پس می‌توان گفت «تنبیه»، همواره مستلزم تغییر رفتار نیست زیرا در پاره‌ای از موارد، فرد به‌سبب تنبیه، از گفتن سخن یا دست‌زدن به کاری در حضور تنبیه‌کننده، خودداری می‌کند اما در جاهای دیگر، آن را انجام می‌دهد؛ بدین‌ترتیب، تنبیه درحقیقت موجب می‌شود که فرد، رفتار خود را از تنبیه‌کننده پنهان دارد. امروزه روان‌شناسان معتقدند که تنبیه، رفتار ناشایست را به‌کلی از بین نمی‌برد، بلکه برای از بین‌رفتن رفتار ناشایست، محروم‌شدن از پاداش و امتیاز، به‌مراتب مؤثرتر از تنبیه است؛ آن‌چه مسلم است رفتاری که تکرار می‌شود، به‌طور مرتب پاداشی دریافت می‌دارد؛ اکنون اگر می‌خواهیم رفتار ناشایستی را از بین ببریم، باید به‌دنبال پاداش باشیم که در برابر انجام‌ندادن کاری داده می‌شود؛ بنابراین کار عمده‌ی تنبیه، سرکوب کردن رفتار است.

در مورد کارکنان یک سازمان یا یک مؤسسه‌ی صنعتی، چنان‌چه کارمند یا کارگر دریابد که بی‌توجهی او به کار یا مشتری یا ارباب‌رجوع، موجب محرومیت او از امتیازاتی خواهد شد، رفتار خود را رضایت‌بخش خواهد کرد و بدین‌سان، اهمیت و تأثیر حذف امتیازها و پاداش‌ها، به‌مراتب بیش‌تر از اعمال تنبیه خواهد بود. از سوی دیگر، کارمند یا کارگری که در کار خود شایستگی نشان می‌دهد و وظایف خویش را به‌نحو رضایت‌بخشی ایفا می‌کند، اگر دریابد که مورد تشویق قرار نمی‌گیرد، هرگز درصدد تقویت رفتار خود برنخواهد آمد و به‌سبب همین عدم توجه، رفتار شایسته‌ی خود را از دست خواهد داد.

تنبیه، فرآیند تضعیف رفتار از طریق ارائه‌ی پیامدهای نامطلوب است؛ می‌توان گفت تنبیه، این ایراد را دارد که می‌گوید: «این رفتار را رها کن» اما نمی‌گوید به‌جای آن، چه رفتاری داشته باش. احتمال دارد که رفتار نامطلوب‌تری جایگزین رفتار تنبیه‌شده شود؛ هم‌چنین تنبیه، پیامدهای نامساعدی دارد و موجب شکل‌گیری نگرش و احساسات منفی هم‌چون خشم و عصبانیت نسبت به تنبیه‌کننده می‌شود؛ از این‌رو توصیه می‌شود مدیران تا حد امکان، از «تنبیه» استفاده نکنند و درصورت لزوم، با دقت این کار را انجام دهند. علاوه‌براین، عوارض جانبی تنبیه ممکن است نامطلوب باشد؛ حتی می‌تواند موجب تنفر از تنبیه‌کننده (مدیر، استاد، پدر، مادر و...) و مکان تنبیه (سازمان، دانشگاه، خانه و...) شود و می‌تواند رفتار پرخاشگرانه‌ای در پی داشته باشد.



حمیدرضا مرادی

کارشناس ارشد مدیریت و مدرس کارآفرینی